

مطالعات حقوق تطبیقی

دوره ۸، شماره ۱

بهار و تابستان ۱۳۹۶

صفحات ۳۸۵ تا ۴۱۱

## طرح مسئولیت مدنی کارفرمایان، صنعتگران و پیشه‌وران ناشی از عمل شاگردان کارآموز در حقوق ایران و فرانسه

علیرضا یزدانیان\*

دانشیار گروه حقوق دانشگاه اصفهان

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۸/۱۲ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۱۰/۰۷)

### چکیده

همواره بخشی از خسارات معلول عمل کارآموزان بی تجربه‌ای است که در مشاغل متفاوت نزد استادکاری مشغول یادگیری حرفه‌ای هستند. در حقوق برخی از کشورها مانند فرانسه، یکی از مصادیق مسئولیت مدنی ناشی از عمل غیر، مسئولیت کارفرمایان و صنعتگران ناشی از فعل زیان‌بار کارآموزانی است که نزد ایشان در حال یادگیری اطلاعات حرفه‌ای هستند. یکی از مشکلات چنین سیستم‌هایی تعیین ماهیت این مسئولیت است. این مسئولیت می‌تواند نوعی مسئولیت مراقب نسبت به اعمال شخص تحت مراقبت، مانند مسئولیت سرپرست نسبت به طفل، به‌شمار آید و نیز می‌تواند نوعی مسئولیت تبعیتی، مانند مسئولیت کارفرما نسبت به فعل کارگر، شمرده شود. طبیعی است که تعیین حکم در خصوص این مسئله آثار متفاوتی از نظر بار اثبات تقصیر خواهد داشت. در حقوق ایران در قانون مدنی و مسئولیت مدنی به این مسئولیت اشاره‌ای نشده است. به‌نظر می‌رسد تعیین رژیم حقوقی حاکم بر این مسئولیت تا حدودی به تعیین ماهیت چنین مسئولیتی وابسته است که در این مقاله به کمک حقوق فرانسه این موضوع بررسی خواهد شد.

### واژگان کلیدی

تقصیر، کارآموز، کارفرما، مسئولیت.

## مقدمه

یکی از مصادیق مسئولیت مدنی ناشی از عمل غیر، مسئولیت کارفرما، صنعتگر و پیشه‌ور نسبت به خسارات ناشی از فعل کارآموزان آن‌ها می‌باشد (عبدالله، ۲۰۰۸، ص ۱۹۲) که این مسئولیت بر مبنای انتفاع از عمل گماشتگان است (بادینی، ۱۳۸۴، ص ۲۶۲). ماده ۱۲۴۲ ق.م.ف در خصوص مسئولیت معلمان و صنعتگران مقرر می‌دارد: «... معلمان و صنعتگران مسئول جبران خسارت وارده از سوی دانش‌آموزان و شاگردان در زمانی که تحت نظر ایشان هستند، می‌باشند» (Viney . Jourdain , 1998, p.1012). میان مسئولیت کارفرما ناشی از عمل کارگر و مسئولیت کارفرما ناشی از عمل کارآموز، تفاوت وجود دارد و طرح جداگانه هر یک ظاهراً منطقی و موجه است، زیرا مسئولیت ناشی از عمل کارآموز دارای ویژگی‌هایی است که طرح جداگانه آن را ضروری می‌سازد (Le Tourneau. Cadiet, 1998, p.843). این مسئولیت از یک طرف شبیه به مسئولیت مدنی والدین ناشی از اعمال فرزندانشان و از سویی شبیه مسئولیت مدنی کارفرما ناشی از عمل کارگر و از طرفی شبیه مسئولیت مدنی آموزگار ناشی از عمل دانش‌آموز می‌باشد (Bertolaso, 2009, p.2). به همین دلیل یکی از موضوعاتی که در طرح مستقل این مسئولیت بی‌اثر نبوده، تردید بر سر ماهیت این نهاد است<sup>۱</sup> که در این مقاله با روش تطبیقی بررسی خواهد شد.

۱. مبحث اول فصل پنجم قانون کار در خصوص کارآموزی است و به‌نظر می‌رسد از مطالعه قانون کار بر می‌آید که مفهوم کارآموز بسیار نزدیک به کارگر بوده و به همین دلیل برابر ماده ۵ ق.ک، کارآموزان نیز مشمول مقررات موجود در قانون کار هستند. ماده ۵ مقرر می‌دارد: «کلیه کارگران، کارفرمایان، نمایندگان آنان و کارآموزان و نیز کارگاه‌ها مشمول مقررات این قانون می‌باشند»؛ با وجود این، شمول قانون کار بر کارآموز فقط در خصوص تعهدات کارفرما و کارآموز در مقابل یکدیگر و مسئولیت‌های ایشان در مقابل هم ناشی از نقض تعهدات یادشده اثر خواهد داشت. برای مثال، مقررات مربوط به حفاظت فنی و بهداشت کار در قانون کار در خصوص کارآموزان هم قابل اعمال خواهد بود. ماده ۹۱ مقرر می‌دارد: «کارفرمایان و مسئولان کلیه واحدهای موضوع ماده ۸۵ این قانون مکلف هستند بر اساس مصوبات شورای عالی حفاظت فنی برای تأمین حفاظت و سلامت و بهداشت کارگران در محیط کار، وسایل و امکانات لازم را تهیه و در اختیار آنان قرار داده و چگونگی کاربرد وسایل فوق‌الذکر را به آنان بیاموزند و در خصوص رعایت مقررات حفاظتی و بهداشتی نظارت نمایند. افراد مذکور نیز ملزم به استفاده و نگهداری از وسایل حفاظتی و بهداشتی فردی و اجرای دستورالعمل‌های مربوطه کارگاه می‌باشند». این مقررات در تعیین ماهیت مسئولیت مدنی کارفرمایان، صنعتگران و پیشه‌وران در مقابل کارآموزان تأثیرگذار است، اما در مورد مسئولیت کارفرما ناشی از عمل شاگرد در مقابل اشخاص ثالث، قانون کار مقرره‌ای ندارد. به همین دلیل در خصوص مسئولیت کارفرما در مقابل اشخاص ثالث ناشی از عمل کارگر ماده ۱۲ ق.م.م. مقرره‌ای مناسب است، اما درباره مسئولیت کارفرما در مقابل اشخاص ثالث ناشی از عمل کارآموز در حقوق ایران مقرره‌ای وجود ندارد و باید به طرح آن اقدام شود.

## شناخت ماهیت و جایگاه مسئولیت کارفرما ناشی از عمل کارآموز

### ۱. تفکیک کارآموز از دیگر اشخاص

در ماده ۱۲۴۲ ق.م.ف به مسئولیت کارفرما ناشی از عمل کارگر و به مسئولیت والدین ناشی از عمل صغیر و به مسئولیت آموزگار ناشی از عمل دانش‌آموز و به مسئولیت مدنی استادکار ناشی از عمل کارآموز اشاره شده است. در حقوق ایران نیز در مواد ۷ و ۱۲ ق.م.م به مسئولیت کارفرما ناشی از عمل کارگر و مسئولیت سرپرست ناشی از عمل صغیر و مجنون اشاره شده است. تصریح به چنین مسئولیت‌هایی نشان می‌دهد که این مسئولیت‌ها با وجود تشابهات فراوان، نمی‌توانند یکسان باشند و مطالعهٔ دکترین و آرای قضایی فرانسه نشان‌دهندهٔ وجوه اشتراک و تمایز آنهاست<sup>۱</sup> که در قسمت‌های بعدی کارآموز را از دیگر اشخاص تفکیک می‌نماییم.

#### ۱.۱. کارگر و کارآموز

شباهت کارگر و کارآموز در این است که هر دو تابع کارفرما بوده، به حساب کارفرما فعالیت می‌دهند و حقوق‌بگیر کارفرما به حساب می‌آیند. اما تفاوت آن‌ها این است که کارآموز در حال یادگیری آموزش‌های حرفه‌ای است و طبیعی است که مهارت و کاردانی که در یک کارگر وجود دارد، هنوز در کارآموزان که نوعاً از بین جوانان هستند، وجود ندارد (Buffelan- Lanore, 2008, p.683, Larribau-Terneyre, 2008)؛ به همین دلیل شاید کارفرما وظیفهٔ آموزش دارد تا بی‌تجربگی گماشته سبب خسارت نگردد (بادینی، ۱۳۸۴، ص ۳۶۱).

#### ۲.۱. کارآموز و صغیر

شباهت کارآموز و صغیر این است که کارآموزان افراد صغیر یا نوجوان هستند و کمتر اتفاق می‌افتد که شخص بالغی برای کارآموزی نزد کارفرمایی برود. همچنین، همان‌گونه که یک صغیر تحت مراقبت و مواظبت شخص دیگری است، اصولاً کارآموز نیز به دلیل سن پایین و تجربهٔ

۱. در حقوق ایران طبق ماده ۱۱۲ ق.ک، کارآموز چنین تعریف شده است: «از لحاظ مقررات این قانون کارآموز به افراد ذیل اطلاق می‌شود: الف) کسانی که فقط برای فرا گرفتن حرفهٔ خاص، بازآموزی یا ارتقاء مهارت برای مدت معین در مراکز کارآموزی و یا آموزش و یا آموزشگاه‌های آزاد آموزش می‌بینند. ب) افرادی که به موجب قرارداد کارآموزی به منظور فرا گرفتن حرفهٔ خاصی برای مدت معین که زاید بر سه سال نباشد، در کارگاهی معین به کارآموزی توأم با کار اشتغال دارند مشروط بر آنکه سن آنها از ۱۵ سال کمتر نبوده و از ۱۸ سال تمام بیشتر نباشد».

ناکافی تحت نظر و مراقبت استادکار قرار می‌گیرد. باوجوداین، تفاوت آن‌ها در این است که صغیر به حساب سرپرست فعلی انجام نمی‌دهد، درحالی که کارآموز فعلی به نفع و حساب کارفرما انجام می‌دهد و نیز در حال یادگیری اطلاعات حرفه‌ای می‌باشد. به عبارتی، سرپرست مکلف به مواظبت و مراقبت است و از فعل و ترک فعل شخص تحت مراقبت نفعی نمی‌برد، درحالی که استادکار از انجام کار از سوی کارآموز در حین یادگیری بهره می‌برد.

### ۳.۱. کارآموز و دانش‌آموز

شباهت کارآموز و دانش‌آموز این است که کارآموز نیز نوعاً شخص صغیر یا جوانی است که نزد آموزش‌دهنده‌ای تعلیم می‌بیند. اما تفاوت هر دو در این است که کارآموز فقط در حال یادگرفتن آموزش‌های حرفه‌ای است، درحالی که دامنه اطلاعاتی که به دانش‌آموز داده می‌شود، بسیار گسترده است. همچنین دانش‌آموز به حساب آموزگار فعلی انجام نمی‌دهد، درحالی که کارآموز نه تنها به نفع و حساب کارفرما و استادکار فعلی انجام می‌دهد، بلکه حقوق‌بگیر است. تفاوت دیگر در این است که عرفاً به استادکاری که در حال یاددادن اطلاعات حرفه‌ای است، آموزگار اطلاق نمی‌شود و کارآموز نیز دانش‌آموز تلقی نمی‌گردد. وانگهی محیطی که دانش‌آموز در آن به یادگیری می‌پردازد، یک محیط آموزشی است؛ درحالی که مکانی که کارآموز در آن به سر می‌برد، الزاماً محیط آموزشی نیست و ممکن است کارگاه یا حتی محل اقامت استادکار باشد (Buffelan- Lanore, Larribau-Terneyre, 2008, p.683).

### ۲. تأملی در ماهیت مسئولیت کارفرما ناشی از عمل کارآموز

پرسش اساسی در خصوص مسئولیت کارفرما ناشی از عمل کارآموز، این است که این مسئولیت در کدام یک از طبقات مسئولیت مدنی ناشی از عمل غیر می‌گنجد؟ در پاسخ به این پرسش بین سیستم‌های حقوقی اختلاف عقیده وجود دارد. از یک طرف چنین مسئولیتی را جزء «مسئولیت مدنی مراقب نسبت به اعمال شخص تحت مراقبت» به‌شمار می‌آورند و از سوی دیگر می‌توان آن را نوعی «مسئولیت مدنی متبوع ناشی از عمل تابع» دانست. تفاوت احکام و آثار آن‌ها تعیین ماهیت مسئولیت مدنی یادشده را ضروری می‌سازد که به بررسی آن می‌پردازیم.

#### ۲.۱. اول، توجیه مسئولیت کارفرما ناشی از عمل کارآموز بر مبنای مراقبت

در سیستم‌های حقوقی برگرفته از حقوق آلمان، چنین مسئولیتی نوعی «مسئولیت مراقب

نسبت به اعمال افراد تحت مراقبت» ( La responsabilité du surveillant du fait de son surveillé) است و همان‌گونه که مراقب کودک، مانند آموزگار یا پدر و مادر مسئول عمل کودک می‌باشد، کارفرمایی که به شاگردی حرفه‌ای را آموزش می‌دهد، دارای همان مسئولیت مدنی است. در حقوق فرانسه مسئولیت کارفرما یا صنعتگران ناشی از عمل شاگرد در ماده ۱۲۴۲ ق.م.ف در کنار مسئولیت آموزگاران مطرح شده است. در نگاه اول به نظر می‌رسد که مسئولیت صنعتگران ناشی از فعل شاگردانشان، مشابه مسئولیت مدنی آموزگاران ناشی از فعل دانش‌آموزانشان است. به عبارتی، با توجه به جایگاه طرح این مسئولیت در حقوق فرانسه، می‌توان چنین نتیجه گرفت که هر دو مسئولیت، یعنی مسئولیت آموزگار ناشی از عمل دانش‌آموز و مسئولیت کارفرما ناشی از عمل شاگرد یا کارآموز، نوعی مسئولیت مراقب ناشی از عمل شخص تحت مراقبت می‌باشد. از سویی نویسندگان قانون مدنی فرانسه به این تشابه دامن زده‌اند و این تشابه از اینجا الهام گرفته که در هر دو مورد، نوعی آموزش مطرح است. همان‌گونه که آموزگار به دانش‌آموز آموزش‌هایی می‌دهد، صنعتگر نیز به شاگرد اطلاعات حرفه‌ای را یاد می‌دهد. در ۱۸۰۴م این قرابت بین معلمان و صنعتگران به این نحو توجیه می‌شد که در خصوص معلمان و صنعتگران و والدین فرض تقصیر وجود دارد. در سال ۱۹۳۷م فرض تقصیر در مورد معلمان منتفی شد و امروز شباهت تنها بین مسئولیت والدین و صنعتگران وجود دارد<sup>۱</sup> (Le Tourneau, Cadiet, 1998, p.843). در حقوق ایران مسئولیت مدنی اشخاص مراقب نسبت به اعمال افراد تحت مراقبت در ماده ۷ ق.م.م چنین مطرح شده است: «کسی که نگاهداری یا مواظبت مجنون یا صغیر قانوناً یا بر حسب قرارداد به‌عهده او می‌باشد در صورت تقصیر در نگاهداری یا مواظبت مسئول جبران زیان وارده از ناحیه مجنون یا صغیر می‌باشد...»؛ بنابراین اگر مسئولیت کارفرما ناشی از عمل کارآموز به دلیل مراقبتی است که باید کارفرما به‌عنوان سرپرست از کارآموز به‌عمل آورد، مسئولیت کارفرما ناشی از عمل کارآموز، مشمول ماده ۷ ق.م.م است، نه ماده ۱۲ ق.م.م و زیان‌دیده باید تقصیر کارفرما در نگهداری یا مواظبت را اثبات کند.

۱. به عبارت دیگر، از این منظر مسئولیت مدنی صنعتگران نسبت به فعل شاگردانشان، تابع همان رژیم حقوقی مسئولیت است که والدین نسبت به عمل فرزندانشان دارند (Viney, Jourdain, 1998, p.1012 et; Bertolaso, 2009, p.2)؛ با این تفاوت که لزومی ندارد شاگرد صغیر باشد و نیازی نیست که شاگرد با کارفرما و صنعتگر همزیستی داشته باشد و فقط لازم است که حادثه در زمانی اتفاق بیفتد که شاگرد تحت مراقبت و تحت نظر کارفرما یا صنعتگر باشد (Mazeaud, 1978), p.505). گفتنی است که در حقوق برخی از کشورهای اسلامی نیز این مسئولیت مبتنی بر نگهداری و مواظبت از دیگری است (عبدالله، ۲۰۰۸، ص ۱۹۲).

## ۲.۲. دوم، توجیه مسئولیت کارفرما ناشی از عمل کارآموز بر مبنای تبعیت

رویه قضایی فرانسه می‌توانست مسئولیت صنعتگر ناشی از فعل شاگرد را به مسئولیت متبوع ناشی از عمل تابع یا به عبارتی مسئولیت کارفرما ناشی از عمل کارگر نزدیک سازد. در این صورت چنین مسئولیتی نوعی «مسئولیت متبوع ناشی از عمل تابع» (La responsabilité du commettant du fait du son préposé) خواهد بود، زیرا شاگرد نیز مانند کارگر تحت اوامر کارفرما بوده، به حساب او فعالیت را انجام می‌دهد. هرچند هم‌اکنون برخی از محاکم فرانسه، مسئولیت صنعتگر ناشی از عمل شاگرد را به مسئولیت مدنی والدین نزدیک ساخته‌اند (Viney, Jourdain, 1998, p.1013) و محاکم مایل‌اند چنین مسئولیتی را مسئولیت متبوع ناشی از عمل تابع ندانسته، آن را نوعی مسئولیت مدنی مراقب نسبت به اعمال شخص تحت مراقبت تلقی نمایند.<sup>۱</sup> با این حال به نظر برخی، این انتظار نیز می‌رود که در فرانسه تحولات مسئولیت مدنی وضعیت حقوقی شاگرد را به وضعیت حقوقی یک کارگر معمولی حقوق‌بگیر نزدیک ساخته، هر دو را نوعی مسئولیت متبوع ناشی از عمل تابع به‌شمار آورد. چنان‌که نویسندگان قانون ۱۶ ژوئیه ۱۹۷۱ که قرارداد کارآموزی را نوعی قرارداد کار تلقی کرده، تعهدات طرفین این قرارداد را تدوین نمودند، شاید برای آن‌ها منطقی بود که به رژیم خاص مسئولیت مدنی صنعتگر ناشی از فعل شاگرد اشاره‌ای نکنند و به‌نوعی آن را قسمی از مسئولیت مدنی متبوع ناشی از عمل تابع بدانند.<sup>۲</sup>

۱. این تفسیر که در ابتدا ممکن است تا حدودی شگفت‌آور باشد، در مفهوم «کارآموزی» نهفته است که برای مدت‌های طولانی است که در فرانسه مطرح بوده است. چنان‌که پروفیسور کاربونیه خاطر نشان ساخته است که این نهاد بازمانده دورانی است که در فرانسه، شاگرد نزد استادکار ارتزاق کرده، مسکن اختیار می‌نمود و نزد وی زندگی می‌کرد و به‌نوعی عضوی از اعضای خانواده استادکار به‌حساب می‌آمد (Carbonnier, 1998, p.410). به عبارتی، این نهاد یادآور دورانی است که شاگرد که معمولاً طفل صغیری بود، کانون خانواده خویش را رها می‌کرد و در منزل استادکاری برای یاد گرفتن حرفه‌ای اقامت می‌کرد؛ به عبارتی استادکار جانشین پدر چنین شاگردی می‌شد. در این فرض، مواظبت و نگهداری و تربیت شاگرد برعهده استادکار قرار می‌گرفت و طبیعی بود که چنین استادکاری مانند پدر مسئول اعمال زبان‌بار چنین شاگردی باشد (Malaurie, Aynes, Stoffel-Munck, 2007, p.78). به تعبیر برخی، در این دوران «اقتدار» پدر به استادکار انتقال می‌یافت و در نتیجه استادکار مسئول اعمال شاگرد به‌حساب می‌آمد (Benabant, 2007, p.411).

۲. از سویی، مطالعه این قانون نشان می‌دهد که بر اعمال ماده ۱۲۴۲ ق.م.ف بی‌تأثیر نبوده است. زیرا در این قانون برای آموزش‌های حرفه‌ای که از سوی مراکز کارآموزی تخصصی انجام می‌شود، جایگاه مهمی در نظر گرفته شده است که در فرانسه چنین مراکزی دایر شده‌اند و به‌نوعی مدتی که شاگرد تحت مراقبت و نظارت کارفرمای خویش است، کاهش پیدا کرده است و از آن پس، عمل شاگرد می‌تواند سبب مسئولیت معلمی شود که از نظر تئوری به وی آموزش داده است و گاه فعل شاگرد سبب مسئولیت دولت شده، کمتر باعث

در حقوق فرانسه قانون ۱۹۷۱م به شاگرد مفهومی در حد یک کارگر مزدبگیر داده و به همین دلیل طبیعی است که به صنعتگر نیز به‌عنوان یک کارفرما نگریسته شود، و این امر به نوعی ماهیت مسئولیت صنعتگر ناشی از فعل شاگرد را به مسئولیت مدنی متبوع ناشی از تابع تنزل خواهد داد؛ چنان‌که شاگرد نوعی تابع و صنعتگر نوعی متبوع خواهد شد. در چنین اوضاع و احوالی رژیم مسئولیت مدنی صنعتگر ناشی از عمل شاگرد، جای خود را به مسئولیت متبوع ناشی از عمل تابع خواهد داد و به عبارتی صحنه را به نفع مسئولیت متبوع ناشی از عمل تابع ترک خواهد کرد. نمونه‌ای از این استدلال را می‌توان در آرای شعبه دیوان عالی کشور فرانسه مشاهده نمود. به همین دلیل در حقوق فرانسه شعبه دوم مدنی در ۱۵ دسامبر ۱۹۶۳ چنین نظر داده است که مسئولیت مدنی صنعتگر ناشی از فعل شاگرد در مسئولیت مدنی متبوع ناشی

مسئولیت مدنی کارفرمای خود می‌گردد. بنابراین شاید بتوان گفت که قانون ۱۶ ژوئیه ۱۹۷۱ به‌نوعی به‌طور غیرمستقیم، جایگاه ماده ۱۲۴۲ ق.م.ف، یعنی مسئولیت کارفرما و صنعتگر و پیشه‌ور ناشی از عمل کارآموز را تنزل داده، زیرا در عمل، از قرن بیستم به بعد کارآموزی نزد کارفرما تا حدودی کاهش پیدا کرده است. شاید موارد یادشده بوده که در عمل ماده ۱۲۴۲ ق.م.ف را چنان بیهوده و عبث کرده است که محاکم کمتر به فکر تحول در این نهاد حقوقی افتاده‌اند تا آن را از حالت «قیم‌آبانه و پدرم‌آبانه» (Paternaliste) خارج سازند و به‌نوعی آن را از مسئولیت مراقب ناشی از فعل شخص تحت مراقبت جدا نمایند؛ چراکه تقریباً تمایل حقوق دانان فرانسه این است که این مسئولیت به نوع مسئولیت مدنی متبوع ناشی از عمل تابع تغییر یابد، زیرا رابطه کارآموزی که شاگرد را به استادکار مرتبط می‌سازد، بسیار شبیه به رابطه گماشتگی و تبعیت است که کارگر را به کارفرما پیوند می‌دهد و به همین دلیل بهتر می‌بود این مسئولیت از نوع مسئولیت متبوع ناشی از عمل تابع به‌شمار می‌رفت. در حقوق فرانسه برابر ماده ۱-۱۱۷ قانون کار، قرارداد کارآموزی «یک نوع قرارداد کار از نوع خاص» است. همچنین به نظر برخی، از نظر فهم اجتماعی، مفهوم شاگرد به کارگر و تابع بیشتر نزدیک است تا به دانش‌آموز یا کودک، و از طرفی از منظر زیان‌دیده چه فرقی می‌کند که کارگر حقوق‌بگیر کارفرما یا شاگرد در حال آموزش چنین کارفرمایی به وی خسارت وارد آورده باشد. این امر سبب شده است تا فروغ مسئولیت مدنی صنعتگر ناشی از فعل شاگرد به تابانی خود باقی نماند و به افول دائمی خود و به عبارتی به‌نوعی به محو شدن خود ادامه دهد. دو دلیل می‌تواند توجیه‌کننده این محو شدن تدریجی مسئولیت مدنی صنعتگر ناشی از فعل شاگرد باشد. اولی نوعی دلیل عینی از اوضاع و احوال اقتصادی و اجتماعی است. امروزه در سایه تحولات اقتصادی و اجتماعی، «شاگردی» نزد استادکار مفهوم خود را از دست داده، زیرا امروزه ترکیبی از کار و اطلاعات سبب شده است تا همانند گذشته به شاگردی نزد استادکار علاقه چندانی نشان داده نشود و همین امر ماده ۱۲۴۲ ق.م.ف را به‌گونه‌ای تحت‌الشعاع قرار داده، مسئولیت مدنی صنعتگر ناشی از فعل شاگرد تحت‌الشعاع قرار گرفته است. دومین دلیل در تحولات حقوقی خلاصه شده است. از دید برخی از حقوق دانان تفاوتی میان کارگر و شاگرد نیست و مسئولیت صنعتگر ناشی از فعل شاگرد را شبیه مسئولیت مدنی کارفرما ناشی از کارگر تلقی می‌کنند. در حقوق فرانسه نمونه‌ای از این دیدگاه وجود دارد؛ هرچند باوجود اصلاح قانون مدنی در سال ۲۰۱۶م دوباره مسئولیت مربوط به کارآموز و شاگرد حفظ شده است.

از عمل تابع مستغرق گشته است و به همین دلیل مسئولیت مدنی صنعتگر ناشی از فعل شاگرد، بر مبنای مسئولیت مدنی متبوع ناشی از عمل تابع تجزیه و تحلیل شده است. هرچند به گمان برخی از نویسندگان حقوق مدنی فرانسه چنین استدلال‌هایی قانع‌کننده نیست. چنین نهادهایی بر مبنای اصل عدم جمع مسئولیت‌ها قابل تحلیل است؛ مسئولیت مدنی متبوع ناشی از عمل تابع یک نهاد و مسئولیت مدنی صنعتگر ناشی از عمل شاگرد نهادی دیگر است و به همین دلیل در چنین مواردی باید به مسئولیت مدنی صنعتگر ناشی از عمل شاگرد استناد شود، نه به مسئولیت مدنی متبوع ناشی از عمل تابع (Maurie, Aynes, Stoffel-Munck, 2007, p.78 N.153 et; Bertolaso, 2009, p.2). در حقوق ایران نیز ماده ۱۲ ق.م.م. مصدق از مسئولیت متبوع ناشی از عمل تابع است که مقرر می‌دارد: «کارفرمایانی که مشمول قانون کار هستند مسئول جبران خسارتی می‌باشند که از طرف کارکنان اداری و یا کارگران آنان در حین انجام کار یا به مناسبت آن وارد شده است...». در این صورت، اگر قائل به این باشیم که مسئولیت کارفرما ناشی از عمل کارآموز به دلیل مراقبت وی از کارآموز نیست، بلکه به علت رابطه گماشتگی و تبعیت بین ایشان است، مسئولیت کارفرما ناشی از عمل کارآموز تابع ماده ۱۲ ق.م.م. خواهد بود، نه ماده ۷ ق.م.م. و بنابراین اگر تقصیر مفروض باشد (صفایی، رحیمی، ۱۳۸۹/۳۱۸)، زیان دیده نیازی به اثبات تقصیر ندارد.

### ۳.۲. نظر برگزیده و آثار آن

در حقوق ایران اگر مسئولیت کارفرما ناشی از عمل کارآموز را نوعی مسئولیت شخص مراقب ناشی از عمل شخص تحت مراقبت بدانیم، مشمول ماده ۷ ق.م.م. می‌گردد. در نتیجه زیان دیده باید تقصیر مراقب یعنی استادکار را ثابت نماید. اما اگر مسئولیت یادشده را نوعی مسئولیت متبوع ناشی از عمل تابع بدانیم، مسئله تابع ماده ۱۲ ق.م.م. شده، زیان دیده نیازی به اثبات تقصیر نخواهد داشت. در مقام دآوری بین اختلاف یادشده در خصوص ماهیت مسئولیت کارفرما ناشی از عمل کارآموز، اگر بخواهیم مسئولیت صنعتگران و پیشه‌وران نسبت به فعل کارآموزان را در یکی از اقسام مسئولیت ناشی از عمل غیر قرار دهیم، در آغاز باید اذعان داشت که تعیین ماهیت مسئولیت یادشده به نحو دقیق و منحصر ممکن نیست و این مسئولیت از طبعی دوگانه برخوردار است. از یک منظر، چنین مسئولیتی در طبقه مسئولیت مدنی مراقب نسبت به عمل شخص تحت مراقبت می‌گنجد که بر مبنای «مراقبت از دیگری» (La surveillance d'autrui) است (Viney, Jourdain, 1998, p.820) که در این موارد شخصی مکلف به مراقبت و مواظبت از دیگری است و شخص تحت مواظبت نیز نیاز به چنین مراقبت و مواظبتی دارد. در این وضعیت اگر شخص تحت مراقبت، سبب ورود خسارت به دیگری شود، شخصی که مکلف به



نگهداری و مواظبت بوده، مسئول جبران خسارت ناشی از فعل شخص تحت مراقبت است. در این موارد، «مسئولیت ناشی از عمل غیر بر مبنای ضعف جسمی یا دماغی شخص تحت مراقبت» (Les responsabilités de fait d'autrui fondées sur la faiblesse de la personne surveillée) است (Martini, Losfeld, 2000, p.94). به عبارت دیگر، مسئولیت ناشی از عمل غیر «ضمانت اجرای تکلیف به مراقبت» (La sanction d'un devoir de surveillance) است. در این مورد که اغلب کارآموز شخص جوان و بی تجربه است، این وضعیت یعنی جوان بودن و بی تجربگی در هنگام یادگیری یک حرفه می‌طلبد تا صنعتگر یا پیشه‌ور از وی مواظبت به عمل آورد. در عین حال می‌توان چنین توجیه نمود که صنعتگر یا پیشه‌ور نسبت به کارآموز نیز دارای اقتدار است. از سوی دیگر، نمی‌توان انکار کرد که به دلیل مشارکت صنعتگر و پیشه‌ور و کارآموز در یک فعالیت، می‌توان چنین مسئولیتی را از منظر مسئولیت مدنی متبوع ناشی از عمل تابع نیز توجیه کرد (Viney, Jourdain, 1998, p.820). با وجود این، انتخاب یکی از این دیدگاه‌ها گریزناپذیر می‌نماید. بنابراین، با اینکه مسئولیت مدنی کارفرما ناشی از عمل شاگرد هم با مقررات مسئولیت مدنی مراقب نسبت به اعمال شخص تحت مراقبت سازگار است و هم می‌تواند نوعی مسئولیت مدنی متبوع ناشی از عمل تابع به‌شمار آید و به‌رغم اینکه انتخاب یکی از این دیدگاه‌ها کارچندان ساده‌ای نیست، اما به‌نظر می‌رسد ماهیت مسئولیت مدنی کارفرما ناشی از عمل کارآموز بسیار شبیه به مسئولیت مدنی متبوع ناشی از عمل تابع است، زیرا کارآموز نیز هرچند در حال یادگیری است، اما به‌دستور کارفرما فعالیت‌های را به نفع وی انجام می‌دهد. وانگهی در حقوق ایران، طرح چنین مسئولیتی ضروری است، زیرا اگر مسئولیت یادشده را مسئولیت مراقب نسبت به عمل شخص تحت مراقبت به‌حساب آورده، آن را مشمول ماده ۷ ق.م.ب دانییم، لازم است تا کارآموز همیشه محجور باشد؛ چراکه قلمرو ماده ۷ ق.م.ب ظاهراً محدود به مواردی است که مباشر فعل زیان‌بار مجنون یا صغیر باشد، درحالی که کارآموزان گرچه نوعاً از اشخاص نوجوان و جوان می‌باشند، اما صغیر و مجنون نیستند. از سویی اگر چنین مسئولیتی را نوعی مسئولیت مراقبتی به‌حساب آوریم، کارفرمایان به بهانه آموزش دادن، گاه فعالیت‌های خطرناک را برعهده کارآموزان گذاشته، به بهانه اینکه نوعی مسئولیت مراقبتی است، از فرض تقصیر مندرج در ماده ۱۲ ق.م.ب فرار کرده، زیان‌دیده مجبور است تا تقصیر کارفرما را اثبات کند و این به ضرر زیان‌دیده است؛ زیرا تقصیر مانعی است بر سر راه مسئولیت (جعفری‌تبار، ۱۳۹۳، ص ۵۹۲) و مصالح اجتماعی رویگردانی از نظریه تقصیر را توجیه می‌کند (غمامی، ۱۳۷۶، ص ۴۴)، همچنان که راه بهانه را بر کارفرما می‌گشاید. زیرا کارفرما می‌تواند همیشه کارگر خود را در حال آموزش تلقی نموده، با اطلاق کارآموز به وی از زیر بار مسئولیت فرار کند؛ درحالی که اگر کارآموز را مانند کارگر نوعی تابع به‌شمار آوریم و مسئولیت

کارفرما را نوعی مسئولیت مدنی متبوع ناشی از عمل تابع تلقی نماییم، با توجه به وحدت دو مسئولیت، راه فرار از جبران خسارات بسته خواهد شد. از طرفی زیان دیده هم دنبال جبران خسارت ناشی از عمل تابعین یک کارفرما بوده، برای وی چندان تفاوتی نمی‌کند که تابع یادشده در حال آموزش بوده است یا نه.

### ۳. جایگاه کارآموزی در حقوق ایران

#### ۳.۱. سیر تاریخی

طرح کارآموزی در قوانین ایران به سال ۱۳۳۷ ش بر می‌گردد که در ماده ۲ قانون کار ۱۳۳۷ ش کارآموز بدین‌سان تعریف شده بود: «کارآموز از لحاظ این قانون به افرادی اطلاق می‌شود که به سن ۱۸ سال تمام نرسیده و به‌منظور تکمیل یا فرا گرفتن حرفه یا صنعت مخصوصی طبق قرارداد کارآموزی کتبی برای مدت معین که زائد بر ۲ سال نباشد در یک کارگاه یا کلاس‌های مخصوص اشتغال داشته باشند». در ماده ۶ قانون پیش‌گفته که قلمرو قانون را مشخص می‌کرد، به کارآموز اشاره‌ای نشده است و به گمان برخی قانون کار شامل کارآموز نمی‌شد. در سال ۱۳۴۹ ش قانون کارآموزی تصویب شد که مفهوم کارآموزی را به برخی از کارگران تسری می‌داد (ایروانی، ۱۳۵۳، ص ۵۵). ماده ۱ قانون کارآموزی مقرر می‌داشت: «کارآموز شخصی است که بر طبق قرارداد کارآموزی برای فرا گرفتن یا افزایش مهارت در رشته معینی از صنایع در کارگاه‌ها یا مراکز کارآموزی که به‌وسیله صاحبان صنایع به‌موجب این قانون تأسیس می‌شود یا در مراکز وزارت کار و امور اجتماعی و یا در سایر مراکز کارآموزی که وزارتخانه مذکور تشخیص دهد مشغول گردد. اشخاصی که مشمول قانون استخدام کشوری یا سایر قوانین و مقررات استخدامی می‌باشند مشمول مقررات این قانون نخواهند بود». درحقیقت ماده ۱ قانون کارآموزی این قید را اضافه کرد که کارآموزی یا باید در کارگاه یا مراکزی که کارفرمایان یا وزارت کار تأسیس کرده‌اند صورت گیرد یا در مراکزی که وزارت کار تأیید می‌کند (مهر، ۱۳۵۰، ص ۱۶۰) تا اینکه در ماده ۱۱۲ قانون جدید کار مصوب ۱۳۶۹ ش اشخاصی که می‌توانند مصداقی از کارآموز باشند مشخص شده است. برابر این ماده: «از لحاظ مقررات این قانون کارآموز به افراد ذیل اطلاق می‌شود: الف) کسانی که فقط برای فرا گرفتن حرفه خاص، بازآموزی یا ارتقاء مهارت برای مدت معین در مراکز کارآموزی و یا آموزش و یا آموزشگاه‌های آزاد آموزش می‌بینند. ب) افرادی که به‌موجب قرارداد کارآموزی به‌منظور فرا گرفتن حرفه خاصی برای مدت معین که زاید بر سه سال نباشد، در کارگاهی معین به کارآموزی توأم با کار اشتغال دارند مشروط بر آنکه سن آنها از ۱۵ سال کمتر نبوده و از ۱۸ سال تمام بیشتر نباشد». تبصره ۱ ماده یادشده مقرر می‌دارد: «کارآموزان بند الف ممکن است کارگرانی باشند که مطابق

توافق کتبی منعقد شده با کارفرما به مراکز کارآموزی معرفی می‌شوند و یا داوطلبانی باشند که شاغل نیستند و رأساً به مراکز کارآموزی مراجعه می‌نمایند». همچنین ماده ۴ آیین‌نامه موضوع تبصره ماده ۱۱۱ قانون کار جمهوری اسلامی ایران با اصلاحات انجام شده در سال ۱۳۷۰ش، در تعریف کارآموز مقرر می‌دارد: «کارآموز فردی است که به منظور فراگیری رشته‌های خاصی در آموزشگاه ثبت نام می‌کند».

### ۳.۲. قلمرو مقررات

با وجود ماده ۵ قانون کار که مقرر می‌دارد: «کلیه کارگران، کارفرمایان، نمایندگان آنان و کارآموزان و نیز کارگاه‌ها مشمول مقررات این قانون می‌باشند» و با توجه به بند الف ماده ۱۱۲ قانون کار که در آن چنین آمده است: «کسانی که فقط برای فرا گرفتن حرفه خاص، بازآموزی یا ارتقاء مهارت برای مدت معین در مراکز کارآموزی و یا آموزش و یا آموزشگاه‌های آزاد آموزش می‌بینند»، می‌توان دو گروه را تمییز داد: گروه نخست، کارگرانی که با کارفرما رابطه قرارداد کار داشته، به مراکز معرفی می‌شوند که حکم آن‌ها در مواد ۱۱۳ و ۱۱۴ قانون کار پیش‌بینی شده است و مشمول مقررات کار هستند (موحدیان، ۱۳۸۱، ص ۶۸)؛ گروه دوم، اشخاصی که با کارفرما رابطه کاری ندارند، اما داوطلب یادگیری هستند و به مراکز کارآموزی مراجعه می‌کنند که برابر ماده ۱۱۲ کارآموز شمرده می‌شوند، اما به نظر برخی مشمول قانون کار نیستند (عراقی، ۱۳۸۷، ص ۱۳۹).

### ۳.۳. مسئولیت ناشی از فعل کارآموز

در خصوص مسئولیت کارفرما نسبت به خود کارآموز مشکل خاصی وجود ندارد. زیرا اگر بپذیریم که تعهدات کارفرما قراردادی است (خدابخشی، ۱۳۸۹، ص ۱۸۳)، در قرارداد کارآموزی به‌طور ضمنی امنیت شاگرد مورد تعهد کارفرما می‌باشد. اما در مقررات موجود در حقوق ایران به مسئولیت کارفرما ناشی از عمل کارآموز اشاره شفافیه نشده است. تنها شاید بتوان از برخی مقررات مانند ماده ۱۱ قانون کارآموزی سال ۱۳۴۹ش به‌دشواری چنین مسئولیتی را استنباط نمود. برابر ماده ۱۱ قانون یادشده: «کلیه مراکزی که در اجرای این قانون به‌وسیله کارفرمایان تشکیل شده و می‌شود توسط کارفرما و یا کارفرمایان مربوط اداره خواهد شد...» که با توجه به مدیریتی که کارفرما بر مراکز کارآموزی و کارآموزان دارد، مسئول عمل آن‌ها است. همچنین ماده ۸ آیین‌نامه نحوه تشکیل و اداره مؤسسات کارآموزی مصوب ۱۳۴۹ش مقرر می‌دارد: «مدیران مؤسسات کارآموزی موظفند قبل از ثبت نام کارآموزان تا حدود امکان درباره صلاحیت اخلاقی آنان تحقیق نمایند و از پذیرفتن کسانی که واجد

صلاحیت اخلاقی نیستند خودداری نمایند. توجه به وضع رفتار و اخلاق کارآموزان در محیط مؤسسه از وظایف مدیران مؤسسات کارآموزی است» که برابر ماده، مدیران باید بر رفتار کارآموزان مواظبت و مراقبت داشته باشند و در صورتی که از این وظیفه تخطی ورزند، مسئول اعمال کارآموزان می‌باشند.

### ۳.۴. رویه قضایی

به نظر می‌رسد رویه قضایی ایران هنوز مجال آن را نیافته است تا به صورت دقیقی مسئله را بررسی کند. با وجود این، با جستجو در برخی از آراء، نمونه‌هایی هرچند متفاوت از مسئولیت مربوط به فعل شاگرد می‌توان یافت که به نوعی مربوط به خسارات وارد بر شاگرد است. برای نمونه در قرار منع تعقیب شماره ۰۶۶۳/۱۲۱۲۰۹۹۷۵۱۲۱۲۰۸۸۰ — ۲۹/۹/۸۸ پرونده شماره ۸۸/۸۸۰۵۶۷ شعبه ۲۲۶ دادبازی دادسرای عمومی و انقلاب مشهد در خصوص مسئولیت کارفرما نسبت به شاگرد اتوبوسی چنین آمده است: «راجع به شکایت آقایان و خانم‌ها ۱-...، ۲-...، ۳-...، ۴-...، ۵-...، ۶-...، ۷-...، ۸-...، اولیای دم مرحوم رضا... علیه آقایان نورعلی... و محمدابراهیم... دایر بر بی‌احتیاطی در حین کار مرحوم از طریق عدم نظارت و عدم آموزش بر کار ایشان منتهی به قتل غیرعمدی مرحوم رضا... بدین صورت که پس از خالی‌شدن لاستیک اتومبیل (اتوبوس شماره...)، آن مرحوم اقدام به جک زدن زیر اتومبیل جهت تعویض چرخ آسیب‌دیده می‌نماید و حسب تحقیقات صورت‌گرفته و نظر کارشناس حوادث کار، جک را در جای نامناسبی قرار می‌دهد و به دلیل سنگینی اتومبیل و عدم تحمل محل قرار دادن جک، آن محل، شکسته و سبب سقوط اتومبیل و صدمه دیدن مرحوم از ناحیه سر و نهایتاً فوت وی می‌شود. اولیای دم تقصیر را متوجه مالک یا مالکین اتومبیل می‌دانند از این جهت که کارفرما محسوب می‌شوند و به دلیل قصور، مسؤول می‌باشند. دادبازی تحقیق لازم را جهت احراز واقع به عمل آورد... و با توجه به جمیع محتویات پرونده... و نظر به این که هرچند رابطه مرحوم و مسؤولان ظاهری حادثه، مبتنی بر تبعیت حقوقی و اقتصادی می‌باشد و در این روابط، ضوابط ایمنی و سطح استانداردهای آن، بسیار گسترده است و کوچکترین خطای کارفرما، سبب مسئولیت جبران خسارت می‌باشد و سیاست تقنینی و رویکردهای اقتصادی نیز بر حمایت از کارگر تأکید دارند اما هرگز نمی‌توان از قواعد عقلی و پذیرش عرفی مسئولیت، عدول نمود و مسئولیتی بدون توجیه را مقرر نمود و نظر به این که هرچند تقصیر کارگر، جز در حالت غیرقابل بخشایش بودن آن، اثری در رفع مسئولیت از کارفرما ندارد اما قاعده اقدام فقهی و ارتکاب عملی که به‌وضوح دلالت بر تحقق سبب حادثه دارد، می‌تواند مانع از تحقق مسئولیت کارفرما شود و در این پرونده نیز علی‌رغم این که راننده اتومبیل، آن را جهت تعمیرات چرخ،

جلو تعمیرگاه قرار داده، به مسؤولان آن نیز اعلام نموده و شاگرد تعمیرگاه نیز جهت قرار دادن جک حاضر شده بود، اما مرحوم، خود اقدام می‌نماید و ظاهراً وضع جسمی مناسبی نیز نداشته ... بنابراین انتساب حادثه به خود مرحوم علت اصلی حادثه است و برخلاف نظر بازرس اداره کار، کارفرما (خواه مالکین باشند و خواه راننده اتومبیل در زمان حادثه) عرفاً و قانوناً نظارت دیگری نمی‌توانند داشته باشند و مرحوم، خود از تجربه چندین ساله شاگردی اتوبوس برخوردار بوده و امری را نیاز به بازگو نمودن لازم نداشته است، ضمن این که قرار گرفتن اتوبوس در محل تعمیرگاه، دلالت بر تخطی مرحوم از دستور دارد زیرا اگر قرار بود خود آن مرحوم اقدام به تعویض چرخ نماید، اتوبوس را تا جلو تعمیرگاه حرکت نمی‌دادند و به شاگرد تعمیرگاه اعلام نمی‌کردند که جهت تعمیر اقدام نماید و نظر به این که اصل نیز عدم انتساب حادثه به متهمان می‌باشد و اولیای دم نیز دلایل قابل قبولی ارائه نداده‌اند و اعطاء مهلت جهت صلح بین آنها و متهمان نیز فعلاً بی‌نتیجه است لذا دادیاری به استناد اصول مذکور و به جهت عدم کفایت دلیل، قرار منع تعقیب متهمان را صادر و اعلام می‌دارد. ...»<sup>۱</sup>.

۱. این مسئولیت نیز مورد استفتا قرار گرفته است؛ چنان‌که در یک مورد پرسش شده است: کارگری در ساختمانی که زیر نظر معمار ساخته می‌شده مشغول به کار بوده است و شاگرد جوشکار نیز به دستور استاد جوشکار با دستگاه جوش که طبق نظر کارشناس از حساسیت کامل برخوردار نبوده، با وجود رطوبت که معمولاً موجب اتصال برق می‌شود، مشغول جوشکاری بوده است؛ به طوری که در اثر ایجاد لرزش جوشکار و کارگر هر دو متوجه خطر می‌شوند، ولی احتمال می‌دهند که خطر جدی نباشد. در این موقع به دستور معمار، کارگر برای آوردن نبشی برای جوش دادن وارد حیاط ساختمان می‌شود که در اثر برخورد و تماس نبشی با آهن ساختمان و اتصال برق دچار برق‌گرفتگی شده، فوت می‌کند. حال با این وصف کسی ضامن دپه نامبرده خواهد بود یا نه، و در صورت ضامن چه کسی ضامن دپه است، معمار یا استادکار و صاحب دستگاه جوش یا شاگرد جوشکار که متصدی و مباشر جوشکاری بوده است؟ در پاسخ گفته شده است: در فرض یادشده اگر جریان کار عادی و متعارف بوده، مخصوصاً با اینکه کارگر احتمال خطر می‌داده است، کسی ضامن نیست، ولی اگر معلوم شود که این واقعه مستند به بی‌احتیاطی غیرمتعارف بوده، یعنی موردی است که معمولاً در این گونه موارد جوشکار باید احتیاط بکند و اهمیت آن را به کارگر تذکر دهد و مسامحه کرده، دپه بر عاقله شاگرد جوشکار است. مشابه این پرسش درباره مراکز درمانی مطرح شده است. پرسش این بوده است که در مراکز آموزشی که پزشک متخصص تربیت می‌نمایند، به دلیل کمی مهارت دستیاران و دانشجویان، عوارض و خطرهایی متوجه جان بیمار می‌شود، اگر احیاناً نقص عضو و فوتی واقع شود، ضامن دستیار مربوطه است یا پزشک مسئول و استادیار مربوطه؟ در پاسخ گفته شده است که اگر دستیار در کار خود مستقل و آگاه از خطرها باشد، ضامن است و اگر آلت دست استاد باشد، ضامن نیست.

## مفاهیم صنعتگر یا پیشه‌ور و کارفرما و شاگرد یا کارآموز

### ۱. مفهوم صنعتگر یا پیشه‌ور و کارفرما

در ماده ۱۲۴۲ ق.م.ف در خصوص مفهوم صنعتگر مطلبی وجود ندارد. مفهوم صنعتگر در حقوق ما در حیطة حقوق کار چندان رایج نیست و ممکن است گفته شود، بهتر است در حقوق ایران با تأکید بر مفهوم کارفرما از کاربرد واژه صنعتگر پرهیز شود. از سویی با اینکه صنعتگر با کارفرما بی‌ارتباط نیست، به نظر می‌رسد مجالی نمی‌ماند تا صنعتگر با کارفرما مقایسه شود (قاسم‌زاده، ۱۳۷۸، ص ۲۶۲)، زیرا در حقوق فرانسه گرچه برابر ماده ۱-۶۲۲۱ قانون کار، صنعتگر نیز مانند کارفرما موظف است تا مبالغی را به حساب کارآموز بریزد، ولی وظیفه دارد تعلیماتی به وی بدهد. همچنین صنعتگر از آموزگار جداست، زیرا صنعتگر شاگرد را وادار به فعالیتی می‌کند (لوراسا، ۱۳۷۵، ص ۷۰). از سوی دیگر، به نظر می‌رسد صنعتگر را نمی‌توان به پیشه‌وران یا تاجر تشبیه نمود، زیرا تاجر باید اسم خود را در دفاتر مخصوصی ثبت نمایند و همین امر می‌تواند وجه تمایز صنعتگر و تاجر باشد (Bertolaso, 2009, p.4). در دیدگاه دیوان عالی فرانسه، تعریف صنعتگر یک امر موضوعی است و مشمول نوعی ارزیابی ماهوی بوده، معنای موسعی برای آن در نظر گرفته می‌شود. بی‌دلیل نیست که در یک رأی به باغبان نیز واژه صنعتگر اطلاق شده است (Bertolaso, 2009, p.4). می‌توان گفت منظور از صنعتگر یا کارفرما در ماده ۱۲۴۲ ق.م.ف، عبارت است از شخص استادکار یا کارفرمایی که حرفه یا هنری را به شخصی آموزش می‌دهد (Le Tourneau, Cadiet, 1998, p.843) و شامل هر کسی می‌شود که شاگردی را برای تعلیم آموزش‌های حرفه‌ای پذیرفته و در عوض شاگرد نیز انجام بخشی از فعالیت‌های مربوطه را برعهده گرفته است (Viney, Jourdain, 1998, p.1015).

### ۲. مفهوم شاگرد یا کارآموز

با توجه به نبود تعریفی از صنعتگر در قانون مدنی فرانسه، نباید انتظار داشت که کارآموز یا شاگرد نیز تعریف شده باشد. باوجوداین، تردیدی نیست که کارآموز از کارگر متمایز است، زیرا به‌رغم شباهت فراوان آن‌ها، مانند ضرورت بیمه کردن ایشان یا پرداخت مبلغی به آن‌ها، نباید فراموش کرد که کارگر تابع کارفرماست و این امر هم مهم نیست که در حال فراگیری هست یا نه، ولی شرط اطلاق کارآموز به شاگرد این است که در حال یادگیری آموزش‌های حرفه‌ای باشد (Carbonnier, 1998, p.410 et. Bertolaso, 2009, p.4). از سوی دیگر باید بین کارآموز و کودک تفاوت قائل شد، زیرا صرف نظر از مبانی واحد آن‌ها در زمان تدوین قانون مدنی فرانسه در سال ۱۸۰۴م، لزومی ندارد که شاگرد یا کارآموز از نظر سنی کودک صغیری باشد؛ به همین

دلیل شخصی که به سن بلوغ رسیده و حتی سن وی فراتر از سن بلوغ باشد، می‌تواند تحت شرایطی کارآموز به حساب آید (Bertolaso, 2009, p.4). به همین دلیل در خصوص کارآموز شرط سنی وجود ندارد (عوجی، ۲۰۰۹، ص ۴۲۸)؛ هرچند در عمل بسیار کم اتفاق می‌افتد که شخص بالغی کارآموز باشد (Flour, Aubert, Savaux, 2001, p.181). از این منظر می‌توان گفت کارآموز یا شاگرد، شخصی است که به منظور یادگیری هنر یا حرفه‌ای نزد استادکار یا کارفرما شاگردی می‌نماید. نکته قابل توجه اینکه هرچند در برخی از کتاب‌ها به صغیر بودن شاگرد اشاره شده است، اما از آنجا که سن شاگرد اهمیت چندانی ندارد، صغیر بودن از شرایط شاگرد یا کارآموز نیست (Le Tourneau, Cadiet, 1998/843). در حقوق ایران ماده ۱۱۲ ق.ک، کارآموز را تعریف کرده است. برابر این ماده: «از لحاظ مقررات این قانون کارآموز به افراد ذیل اطلاق می‌شود: الف) کسانی که فقط برای فراگرفتن حرفه خاص، بازآموزی یا ارتقاء مهارت برای مدت معین در مراکز کارآموزی و یا آموزش و یا آموزشگاه‌های آزاد آموزش می‌بینند. ب) افرادی که به موجب قرارداد کارآموزی به منظور فراگرفتن حرفه خاصی برای مدت معین که زاید بر سه سال نباشد، در کارگاهی معین به کارآموزی توأم با کار اشتغال دارند مشروط بر آنکه سن آنها از ۱۵ سال کمتر نبوده و از ۱۸ سال تمام بیشتر نباشد».

### ۳. رابطه میان صنعتگر و پیشه‌ور با کارآموز

رویه قضایی فرانسه برای تحقق مسئولیت مدنی صنعتگر و پیشه‌ور در خصوص اعمال کارآموزانشان شرط مهمی را لازم می‌داند و آن بررسی رابطه میان کارآموز، صنعتگر و پیشه‌ور است که معمولاً ماهیت رابطه یادشده «رابطه کارآموزی» (La relation d'apprentissage) است (Le Tourneau, Cadiet, 1998, p.843) که به نظر می‌رسد محاکم فرانسوی تا حدودی این رابطه را موسع تفسیر می‌نمایند. نکته قابل توجه این است که احراز رابطه کارآموزی یک امر موضوعی است و محاکم باید شرایط و اوضاع و احوال متنوعی را در نظر گیرند. شرایطی مانند تشکیلاتی که در اختیار کارآموز قرار گرفته یا این موضوع که شاگرد نزد صنعتگر سکونت دارد یا نه، از جمله مسائلی است که در نظر گرفته می‌شود. همچنین اطلاعات حرفه‌ای داده شده به شاگرد یکی از عناصری است که در احراز رابطه کارآموزی می‌تواند مورد توجه قرار گیرد. عرف نیز در این میان نقش عمده‌ای را بازی می‌کند. برای مثال، شخصی سه سال در یک ماهی‌فروشی کار می‌کرد و بعد از سه سال سبب اضرار شده و گفته شده است عرفاً نمی‌توان در زمان وقوع خسارت وی را شاگرد محسوب کرد، زیرا برای فراگیری حرفه‌ای مانند ماهی‌فروشی معمولاً سه سال وقت صرف نمی‌شود (Bertolaso, 2009, p.4).

## مسئولیت کارفرما و صنعتگر و پیشه‌ور

### ۱. مسئولیت مدنی ناشی از نقض قرارداد کارآموزی

یکی از وظایف وزارت کار و امور اجتماعی برابر ماده ۱۰۷ ق.ک، فراهم ساختن امکانات آموزش برای بالا بردن دانش فنی کارگران است. در این راستا، افزون بر تشکیل مراکز کارآموزی از سوی وزارت کار و امور اجتماعی، در مواردی آموزشگاه‌های فنی و حرفه‌ای آزاد نیز به‌وسیله اشخاص حقیقی یا حقوقی با کسب پروانه از وزارت کار و امور اجتماعی به منظور آموزش صنعت یا حرفه معین تأسیس می‌شوند (ماده ۱۱۱ ق.ک). در این موارد مانند فرانسه بین کارآموز و آموزش‌دهنده «قرارداد کارآموزی» (Le contrat d'apprentissage) منعقد می‌شود ( Jourdain, 2007, p.107 et; Mazeaud, 1978, p.504 et; Bourassin, 2013, p.194). هر چند امروزه این رابطه کارآموزی است که اهمیت پیدا کرده، نه قرارداد کارآموزی. به همین دلیل در حقوق فرانسه در غیاب یک قرارداد کتبی موافق با شرایط قانون کار نیز در صورت احراز رابطه کارآموزی، صنعتگر یا پیشه‌ور مسئول جبران خسارت ناشی از عمل کارآموز است (Bertolaso, 2009, p.3)؛ چنان‌که به نظر برخی، حتی لزومی به این قرارداد نیست، بلکه کافی است که عملاً شاگرد در حال یادگیری حرفه‌ای باشد (سنه‌وری، ۱۹۹۸، ص ۱۱۳۱). در حقوق ایران نیز چنین قراردادی در ماده ۱۱۶ ق.ک. پیش‌بینی شده و این قرارداد مانند هر قرارداد دیگری موجب تعهداتی برعهده طرفین است و نقض هر کدام سبب مسئولیت کارفرما یا کارآموز در مقابل یکدیگر است.<sup>۱</sup>

### ۲. مسئولیت مدنی کارفرمای آموزش‌دهنده ناشی از عمل کارآموز

در قرارداد کارآموزی، تعهدات و حقوق و تکالیف طرفین در مقابل همدیگر تبیین می‌شوند. این تبیین حقوق و تکالیف، در بررسی مسئولیت ناشی از عمل شخصی آموزش‌دهنده در

۱. برای مثال، برابر ماده ۱۱۴ ق.ک، کارگری که مطابق تبصره ۱ ماده ۱۱۲ برای کارآموزی در یکی از مراکز کارآموزی پذیرفته می‌شود، مکلف است تا پایان مدت مقرر به کارآموزی بپردازد و به‌طور منظم در برنامه‌های کارآموزی شرکت نموده، مقررات و آیین‌نامه‌های واحد آموزشی را مراعات کند. بدیهی است که هر کارآموزی موظف است تا به تعهدات مندرج در قرارداد کارآموزی عمل نماید و در غیر این صورت مسئول پرداخت خسارت است. از سوی دیگر، آموزش‌دهنده نیز مکلف به رعایت وظایفی است. برای مثال، ماده ۱۱۸ ق.ک. مقرر می‌دارد: «مراکز کارآموزی موظفند برای آموزش کارآموز وسایل و تجهیزات کافی را مطابق استانداردهای آموزشی وزارت کار و امور اجتماعی در دسترس وی قرار دهند و به‌طور منظم و کامل حرفه مورد نظر را به او بیاموزند. همچنین مراکز مذکور باید برای تأمین سلامت و ایمنی کارآموز در محیط کارآموزی امکانات لازم را فراهم آورند». بدیهی است نقض هر یک از تعهدات، سبب مسئولیت مدنی قراردادی خواهد شد.



مقابل کارآموز و مسئولیت ناشی از فعل شخصی کارآموز در مقابل آموزش دهنده مفید است. اما از مجموع این حقوق و تکالیف، اصولاً در خصوص مسئولیت آموزش دهنده در مقابل اشخاص ثالث درباره جبران خسارات ناشی از اعمال کارآموز چندان مطلب صریحی به چشم نمی‌خورد تا بتوان به قسمی از مسئولیت ناشی از عمل غیر دست یافت (Mazeaud, 1978, p.504). بدیهی است که مسئولیت صنعتگر یا آموزش دهنده در مقابل اشخاص ثالث، در خصوص افعال زیان‌بار کارآموز، از مسئولیت کارفرمایان در خصوص اعمال کارگزارانشان جداست. زیرا از خود قانون کار برمی‌آید که گاه خود کارگر افزون بر قرارداد کار با کارفرما، دارای قرارداد کارآموزی با وی نیز می‌باشد و گاه کارآموز، قرارداد کار با آموزش دهنده ندارد. صرف نظر از این وضعیت، اگر کارآموز سبب خسارت به شخص ثالث شد، به نظر می‌رسد آموزش دهنده در مقابل اشخاص ثالث ضامن است. در مواردی که کارآموز، کارگر هم باشد، اما از باب وظایف محوله بر حسب قرارداد کار سبب خسارت ثالث شود، کارفرما برابر ماده ۱۲ ق.م.م مسئول است. اما در فرضی که کارآموز در هنگام کارآموزی سبب خسارت به ثالث شود، ظاهراً نمی‌توان به ماده ۱۲ ق.م.م استناد نمود؛ زیرا ماده ۱۲ ق.م.م در خصوص خسارات ناشی از عمل کارگر بوده، درحالی که در اینجا بحث کارآموز مطرح است. در ماده ۱۲ ق.م.م کارگر کسی است که در مقابل دریافت حق سعی به درخواست کارفرما کار می‌کند (ماده ۷ ق.ک). اما در قرارداد کارآموزی، آموزش دهنده خواه کارفرما باشد یا نباشد، فقط متعهد به آموزش یک حرفه است و همین امر کارآموز را از کارگر جدا می‌سازد (Mazeaud, 1978, p.504). به همین دلیل در حقوق فرانسه اگر کارآموز خسارتی به شخص ثالث وارد آورد، مستند قانونی آن متفاوت است و آموزش دهنده برابر ماده ۱۲۴۲ ق.م.ف مسئول است. در حقوق مدنی ایران چنین مقرره‌ای نیست، اما می‌توان اذعان داشت که هرگاه شخصی بر کار دیگری نظارت و کنترل داشته، به نوعی بین ایشان رابطه تبعیت و گماشتگی وجود داشته باشد، شخص دارای قدرت کنترل و نظارت، مسئول خساراتی است که شخص تحت نظر به شخص ثالث وارد می‌آورد که در ماده ۱۲ ق.م.م، یعنی مسئولیت کارفرما ناشی از عمل کارگر، به یکی از مصادیق آن اشاره شده است و مسئولیت کارفرما ناشی از عمل کارآموز نیز می‌تواند یکی از مصادیق آن به شمار رود.

### شرایط مسئولیت

به نظر برخی از نویسندگان حقوق مدنی فرانسه، برای مسئولیت آموزش دهنده ناشی از فعل زیان‌بار کارآموز، شرایط چندگانه‌ای لازم است (Bertolaso, 2009, p.4)؛ چنان‌که کارآموز باید تحت نظر و کنترل و تحت مراقبت و نگهداری آموزش دهنده بوده و مرتکب فعل زیان‌باری شده

باشد (Mazeaud, 1978, p.505)، زیرا صرف داشتن کارآموز دلیل بر تقصیر و مسئولیت آموزش‌دهنده نیست. این شرایط در ادامه مقاله مطرح می‌شود.

### ۱. شرط اول، رابطه کارآموزی

نخستین شرط این است که بین آموزش‌دهنده و کارآموز «یک رابطه کارآموزی» (Une relation d'apprentissage) وجود داشته باشد (Le Tourneau, Cadiet, 1998, p.843). این رابطه نیز چنان گسترده است که صنعتگر یا آموزش‌دهنده به همه اشخاصی اطلاق می‌گردد که به افراد دیگر آموزش‌های حرفه‌ای می‌دهند و از این رابطه کارآموزی قابل استنباط است که حتماً باید آموزش‌های حرفه‌ای به شاگرد جوان داده شود (Flour, Aubert, Savaux, 2001, p.194).

### ۲. شرط دوم، تقصیر در نظارت و مراقبت

شرط دوم این است که خسارت زمانی رخ دهد که کارآموز تحت نظارت و مراقبت استادکار باشد و همین امر نشان می‌دهد که تقصیر و کوتاهی صنعتگر در مواظبت و مراقبت از شاگرد نیز شرط تحقق مسئولیت است. حقوق دانان فرانسه معتقدند که از ماده ۱۲۴۲ ق.م.ف برمی‌آید که این تقصیر مفروض است؛ یعنی هرگاه خسارتی از فعل شاگرد رخ دهد، فرض بر این است که استادکار در نگهداری و مواظبت از شاگرد کوتاهی کرده است. شعبه کیفری دیوان عالی فرانسه نیز در ۱۴ ژوئن ۱۹۸۰ به همین فرض اشاره کرده و مقرر داشته که این بسیار مهم است که فعل زیان‌بار در ساعت و لحظه‌ای رخ داده باشد که شاگرد تحت مواظبت و مراقبت استادکار بوده است. باوجوداین، به نظر می‌رسد استناد به این فرض بر حسب اینکه شاگرد نزد استادکار زندگی می‌کند یا نه تفاوت‌هایی داشته باشد (Bertolaso, 2009, p.6)؛ به عبارتی در خصوص شرط تقصیر صنعتگر در مواظبت و مراقبت از شاگرد ذکر این نکته ضروری است که احراز تقصیر صنعتگر بر حسب داشتن یا نداشتن زندگی مشترک ممکن است صورت‌های متفاوتی داشته باشد. در فرضی که شاگرد نزد صنعتگر باشد و با وی زندگی کند، وظیفه مراقبت و مواظبت از شاگرد محدود به ساعت کاری نبوده، در خارج از ساعات کاری نیز وظیفه مواظبت از شاگرد برعهده صنعتگر است؛ مانند موردی که شاگردان یک صنعتگر که با وی زندگی می‌کردند، در یک روز تعطیل هنگام بازی با ترقه سبب آتش‌سوزی شدند و صنعتگر مسئول اعمال ایشان دانسته شد. البته بر این امر استثناهایی نیز وجود دارد؛ برای مثال در دیوان عالی فرانسه نظر داده شده است که در فرضی که کارآموز با صنعتگر زندگی کند، اما در یک روز تعطیل نزد والدین خویش رفته، با آنها به سر برد و در آن روز سبب اضرار به دیگری

گردد، والدین مسئول اعمال وی می‌باشند. یا در فرض دیگر، هنگامی که شاگرد نزد صنعتگر اقامت داشته، اما ساعاتی را برای شرکت در آموزش‌های علمی نزد صنعتگر نبوده و سبب ورود خسارت به دیگری شده است، صنعتگر مسئول اعمال وی شمرده نمی‌شود ( Bertolaso, 2009, p.7). اما در مواردی که کارآموز با صنعتگر دارای سکونت مشترکی نیست، بدیهی است که مواظبت و مراقبت بیشتر دارای یک مفهوم مادی شده و چنین وظیفه‌ای محدود به ساعات کاری بوده و در نتیجه در صورتی صنعتگر مسئول اعمال کارآموز است که خسارت ناشی از عمل کارآموز در ساعات کاری باشد. البته در این موارد در راستای حمایت از زیان‌دیده یک مفهوم حقوقی نیز برای وظیفه مواظبت و مراقبت در نظر گرفته شده است و حتی زمانی که کارآموز تحت کنترل فیزیکی صنعتگر نیست، ممکن است صنعتگر مسئول اعمال وی تلقی شود؛ مانند فرضی که کارآموز در مسیر رفت و آمد سبب ورود خسارت به دیگری گردد ( Bertolaso, 2009, p.7).

### ۳. شرط سوم، فعل زیان‌بار

شرط سوم مسئولیت مدنی صنعتگر ناشی از فعل شاگرد، این است که کارآموز فعل زیان‌باری را انجام دهد. در ماده ۱۲۴۲ ق.م.ف، مسئولیت صنعتگر و استادکار منوط به این است که فعل زیان‌باری از سوی شاگرد انجام شده باشد. این فعل زیان‌بار ممکن است مقصرانه باشد یا نباشد. در اینجا این پرسش قابل طرح است که آیا شاگردی که مرتکب فعل زیان‌بار شده، در مقابل زیان‌دیده از نوعی مصونیت برخوردار است؟ آیا زیان‌دیده می‌تواند بر مبنای مواد ۱۲۴۰ و ۱۲۴۱ ق.م.ف و در حقوق ایران مطابق مقررات اتلاف و تسبیب علیه شاگرد مستقیماً طرح دعوی کند؟ در خصوص مسئولیت مدنی متبوع ناشی از عمل تابع، حقوق‌دانان فرانسه معتقدند که اگر تابع در راستای وظیفه خود عمل کرده باشد، از نوعی مصونیت برخوردار است و زیان‌دیده نمی‌تواند به وی رجوع کند. به نظر برخی از حقوق‌دانان همان مصونیتی که در خصوص بند ۵ ماده ۱۲۴۲ ق.م.ف، یعنی درباره تابع وجود دارد، در مورد بند ۶ یعنی مسئولیت مدنی شاگرد نیز می‌تواند وجود داشته باشد؛ زیرا وضعیتی که در خصوص تابع وجود دارد و از دستورات اطاعت می‌کند، همان وضعیت درباره شاگرد نیز موجود است، چراکه وی نیز از دستورات صنعتگر یا استادکار اطاعت می‌نماید. در این موارد اگر تخلف عمدی از سوی شاگرد وجود داشته باشد، به نظر می‌رسد بهتر است مصونیت شاگرد استثنا شود. در حقوق فرانسه در مواردی دادگاه‌ها حتی در خصوص تقصیر عمدی شاگرد نیز صنعتگر را مسئول دانسته‌اند؛ برای مثال در شعبه کیفری دیوان عالی کشور فرانسه در تاریخ ۴ ژوئیه ۱۹۸۳ در موردی که شاگرد با ضربه چاقو دوست خود را مجروح ساخته بود، دادگاه صنعتگر را مسئول شمرده. همچنین در شعبه

کیفری دیوان عالی کشور فرانسه در تاریخ ۲ اکتبر ۱۹۸۵ در موردی که شاگردی با اسلحه یک نفر را کشت و شخصی را مجروح ساخت، استادکار مسئول شمرده شد. در مورد تقصیرات غیرعمدی شاگرد نیز در محاکم فرانسه آرایبی وجود دارد که در آن‌ها استادکار مسئول شمرده شده است؛ چنان‌که در رأی شعبه کیفری دیوان عالی کشور فرانسه در تاریخ ۳۰ ژوئن ۱۹۴۳ در موردی که شاگردی در حوادث رانندگی سبب مرگ شخصی شده، استادکار مسئول دانسته شده است. همچنین در شعبه کیفری دیوان عالی کشور فرانسه به تاریخ ۵ اکتبر ۱۹۶۱ در موردی که شاگردی با دوچرخه به نردبان نقاشی برخورد کرد و سبب خسارت گردید و خود شاگرد مقصر شناخته شد؛ بر این مبنا می‌توانست استادکار مسئول به‌شمار آید. مثال دیگر در شعبه کیفری دیوان عالی کشور فرانسه به تاریخ ۱۴ آوریل ۱۹۶۱ است که دیوان، عمل شاگرد را در مورد کور کردن چشم کودکی، آنچنان تقصیری تشخیص داده که سبب مسئولیت شخصی خود شاگرد و نیز استادکار دانسته است. در شعبه کیفری در تاریخ ۱۸ فوریه ۱۹۵۹ در موردی که شاگردی برای ترک منزل استادکار برای تسریع کار از پنجره بیرون پریده و سبب خسارت به عابر پیاده‌ای شده، نه تنها شاگرد، بلکه استادکار را نیز مسئول شناخته است<sup>۱</sup>. (Martini , Losfeld, 2000 , p.95et; Bertolaso, 2009, p.7.)

#### ۴. شرط چهارم، وجود آموزش‌های حرفه‌ای

شرط دیگر این است که صنعتگر باید یک سری از اطلاعات شغلی را به شاگرد بدهد (Renault- Brahinsky, 2007, p.320)؛ چنان‌که لازم است کارآموز به‌عنوان تابع در حال یادگیری هنر یا حرفه‌ای نزد استادکار باشد. در غیر این صورت، فاعل فعل زیان‌بار، دیگر شاگرد نبوده و فقط تابع است و در نتیجه اگر سبب خسارت شود، بحث جبران خسارت، مشمول مسئله مسئولیت مدنی

۱. در اینجا اشاره به این نکته لازم است که اگر مسئولیت مدنی صنعتگر ناشی از عمل شاگرد، شبیه به مسئولیت مدنی والدین ناشی از عمل کودک صغیر باشد، در این صورت همان تحولاتی که در خصوص تقصیر مفروض والدین رخ داده است، در اینجا نیز قابل اعمال خواهد بود. در خصوص مسئولیت مدنی والدین ناشی از عمل کودکان صغیرشان، شعبه دوم مدنی دیوان عالی کشور فرانسه به تاریخ ۱۰ می ۲۰۰۱ چنین نظر داده است که مسئولیت مدنی والدین ناشی از اعمال کودک صغیری که با آن‌ها زندگی می‌کند، منوط به تقصیر کودک نیست؛ در نتیجه اگر مسئولیت مدنی استادکار ناشی از عمل شاگرد شبیه به مسئولیت مدنی والدین ناشی از عمل کودک صغیرشان باشد، باید پذیرفت که نتیجه رأی اخیر در خصوص مسئولیت مدنی صنعتگر ناشی از عمل شاگرد نیز تسری داده شده است و به این ترتیب، مسئولیت مدنی صنعتگر ناشی از عمل شاگرد، منوط به ارتکاب تقصیر شاگرد نیست. به عبارت دیگر، ارتکاب تقصیر یا فعل مقصرانه شاگرد لازم نبوده، صرف فعل زیان‌بار شاگرد در تحقق مسئولیت مدنی صنعتگر کفایت می‌کند؛ هر چند مقصرانه نباشد (Bertolaso, 2009, p.8).

کارفرما ناشی از عمل کارآموز نبوده، مسئله یادشده مشمول بحث مسئولیت مدنی کارفرما ناشی از عمل کارگر است.

### ۵. شرط پنجم، ارتکاب فعل زیان‌بار در حین وظیفه یا به سبب آن

در بحث مسئولیت صنعتگر ناشی از عمل کارآموز، یکی از پرسش‌های قابل توجه این است که آیا نیازی هست تا احراز گردد که بین فعل زیان‌بار کارآموز و وظیفه شغلی وی رابطه‌ای وجود دارد؟ طرح این پرسش از این نظر ضروری است که در خصوص مسئولیت متبوع ناشی از عمل تابع، احراز این نکته اهمیت دارد که بین عمل تابع و وظیفه‌ای که متبوع به وی محول می‌نماید، باید رابطه‌ای وجود داشته باشد و تقصیر در راستای وظیفه تابع باشد (قاسم‌زاده، ۱۳۸۸، ص ۶۶). به همین دلیل در خصوص مسئولیت کارفرما ناشی از عمل کارگر، زمانی کارفرما مسئول است که خسارت ناشی از فعل کارگر هنگام انجام کار یا به سبب آن باشد (کاتوزیان، ۱۳۸۶، ص ۵۴۱). ماده ۱۲ ق.م.د در این مورد مقرر می‌دارد: «کارفرمایانی که مشمول قانون کار هستند مسئول جبران خساراتی می‌باشند که از طرف کارکنان اداری و یا کارگران آنان در حین انجام کار یا به مناسبت آن وارد شده است...». در مورد مسئولیت صنعتگر نیز این پرسش قابل طرح است که آیا وجود این رابطه لازم است که خسارت هنگام انجام کار یا به مناسبت آن یا به سبب کار و وظیفه کارآموز باشد یا نه؟ برخی از محاکم فرانسوی به این پرسش پاسخ منفی داده‌اند و به نظر ایشان نیازی به رعایت این شرط نیست. بی‌جهت نیست که در رأی ۱۴ آوریل ۱۹۶۱ صادره از شعبه کیفری تصریح شده است، در این مورد که شاگردی با استفاده از یک وسیله سبب کور شدن کودکی شده است، استادکار نمی‌تواند به این بهانه معترض به حکم مسئولیت خویش باشد که استفاده از وسیله یادشده ارتباطی با وظیفه کارآموزی ندارد. با این استدلال اگر استادکار، شاگرد را برای خرید مایحتاج شخصی خود به بیرون از کارگاه بفرستد و در این زمان از فعل شاگرد خسارتی وارد شود، همچنان استادکار مسئول است. همچنان که در رأی شعبه کیفری دیوان عالی فرانسه در تاریخ ۲۳ می ۱۹۶۷ می‌توان چنین مثالی را دید که استادکاری که شاگرد خود را به بیرون از کارگاه برای خرید یک شیشه آجو فرستاد و شاگرد سبب ورود خسارت گردید، تردید وجود دارد که آیا چنین استادکاری می‌تواند مسئول دانسته شود یا نه، که با مبنای مطرح‌شدن مسئول دانستن استادکار امر بعیدی نیست. در رأی شعبه کیفری دیوان عالی در تاریخ ۱۴ می ۱۹۸۰ نیز شاگرد تعمیرگاهی که موظف بود ساعت سیزده درب گاراژ را باز کند، با اتومبیل یکی از مشتریان گشت زده و سبب خسارت شده بود، استادکار مسئول شناخته شده است. به همین دلیل یک استادکار می‌تواند مسئول سرقتی باشد که شاگرد وی در ساعات و محل کار مرتکب

شده است. این آرا نشان‌دهنده تمایل رویه قضایی بر تسهیل کار زیان‌دیده است تا به راحتی بتواند جبران خسارات ناشی از فعل شاگرد را از استادکار مطالبه کند (Bertolaso, 2009, p.9). به نظر می‌رسد اتخاذ چنین تدبیری برای رعایت حال زیان‌دیده باشد، زیرا عملاً کارآموز ممکن است مالی برای جبران خسارت نداشته باشد و بهتر است جبران خساراتی هم که ربطی به وظیفه کارآموز ندارد، برعهده صنعتگری قرار گیرد که فرض بر این است در مواظبت و مراقبت از کارآموز مرتکب تقصیر شده است.<sup>۱</sup>

## آثار و مبنای مسئولیت

### ۱. حق زیان‌دیده در رجوع به کارآموز و آموزش‌دهنده

این پرسش به ذهن می‌رسد که آیا گذشته از صنعتگر، کارآموز نیز در مقابل زیان‌دیده مسئول جبران خسارت می‌باشد یا نه؟ در پاسخ ممکن است گفته شود که کارآموز در این موارد مصون بوده، فقط صنعتگر مسئول است (Bertolaso, 2009, p.9). اما به نظر می‌رسد در صورت مصونیت کارآموز، زیان‌دیده از رجوع به وی محروم شده و تنها دارای این تضمین است که بر مبنای مسئولیت ناشی از عمل غیر، فقط به صنعتگر مراجعه نماید. در حالی که با اعتقاد به مسئولیت کارآموز، زیان‌دیده نه تنها می‌تواند بر مبنای مسئولیت ناشی از عمل غیر به صنعتگر مراجعه نماید، بلکه بر مبنای مسئولیت ناشی از فعل شخصی می‌تواند به کارآموز مراجعه کند (Weill, Terré, 1975, p.709)؛ همچنان‌که اگر صنعتگر خسارات

۱. در اینجا این پرسش قابل طرح است که آیا به محض اینکه شاگرد بنگاه را ترک نمود، آیا مسئولیت مدنی استادکار نیز به پایان می‌رسد یا نه؟ ظاهراً رویه قضایی شفافی در این خصوص در فرانسه وجود ندارد. هرچند نظر داده شده است که در خلال رفت و برگشت کارآموز نیز استادکار ضامن است. یا هنگامی که شاگرد بدون اجازه کارگاه را ترک کرده، استادکار هنوز ضامن فعل زیان‌بار وی است. همچنین در مواردی که شاگرد نزد استادکار سکونت دارد، حتی برای افعال خارج از کار و وظایف شغلی یا حتی در روزهای تعطیل نیز استادکار ضامن فعل زیان‌بار شاگرد خود است؛ مگر اینکه شاگرد در این روزها به محل سکونت والدین خویش مراجعه کرده باشد. همچنین در مواردی که آموزش‌های حرفه‌ای از سوی مراکز تخصصی داده می‌شود، اگر شاگرد در لحظه‌ای که در این مراکز به سر می‌برد، مرتکب فعل زیان‌بار گردد، فرض تقصیر بر علیه استادکار یا صنعتگر دیگر قابل اعمال نبوده، زیان‌دیده باید با استناد به بند دیگر ماده ۱۲۴۲ ق.م.ف و به عبارتی بر مبنای مسئولیت مدنی آموزگار ناشی از عمل دانش‌آموز و به طور سنتی با اثبات تقصیر طرح دعوی کند، نه بر مبنای مسئولیت صنعتگر ناشی از عمل شاگرد (Viney, Jourdain, 1998, p.1016). به نظر برخی، این امر نشان می‌دهد که مسئولیت استادکار به دلیل مراقبتی است که باید از شاگرد به عمل آورد، نه به علت فعالیتی که شاگرد برای وی انجام می‌دهد. به همین دلیل تا زمانی که استادکار بر شاگرد مواظبت و مراقبت دارد، مسئول اعمال اوست؛ هرچند خارج از ساعات کاری باشد (Flour, Aubert, Savaux, 2001, p.194).

زیان‌دیده را جبران نمود، حق مراجعه به کارآموز را خواهد داشت ( Le (Tourneau, Cadiet, 1998, p.843).

## ۲. مبنای مسئولیت صنعتگر

در حقوق فرانسه با توجه به شباهت فراوان مسئولیت صنعتگر ناشی از عمل شاگرد و مسئولیت والدین ناشی از عمل کودک، می‌توان مبنای مسئولیت صنعتگران را فرض تقصیر در نگهداری و مواظبت از شاگرد دانست ( Fabre-Magan, 2007, p.310)؛ یعنی در خصوص والدین در این بند، فرض بر تقصیر در نگهداری و تربیت است، اما در مورد صنعتگران فقط فرض تقصیر در نگهداری و مواظبت است یا فرض بر این است که استادکار تعلیمات نادرستی به کارآموز داده است (Starck, 1972, p.260)، زیرا استادکار وظیفه‌ای در مورد تربیت شاگرد ندارد. هرچند به نظر برخی درباره‌ی استادکار نیز نوعی فرض تقصیر در تربیت به صورت حاشیه‌ای می‌توان در نظر گرفت، چراکه استادکار نیز در تربیت شاگرد بی‌تأثیر نیست ( Flour, Aubert, Savaux, 2001, p.193). در این موارد اگر مبنای مسئولیت صنعتگر تقصیر مفروض باشد، منطقی است که صنعتگر بتواند خلاف آن را اثبات کند. در شعبه‌ی دوم مدنی دیوان عالی کشور فرانسه به تاریخ ۸ دسامبر ۱۹۶۱ نظر داده شده است که صنعتگران در مدتی که شاگرد تحت مواظبت و مراقبت آن‌هاست، مسئول خسارات ناشی از عمل شاگردان خود هستند؛ مگر اینکه ثابت کنند که نمی‌توانسته‌اند از فعل زیان‌باری که منتهی به خسارت شده است، ممانعت به‌عمل آورند<sup>۱</sup> (Colin, Capitant, 1935, p.197 et.v. Bertolaso, 2009, p.9).

۱. البته در عمل موارد معافیت کامل صنعتگر در خصوص فعل زیان‌بار کارآموز بسیار نادر است، زیرا اگر از جنبه‌ی نظری، فقدان تقصیر معاف‌کننده‌ی استادکار باشد، در عمل چنین چیزی به‌ندرت در حقوق فرانسه قابل مشاهده است؛ چراکه در واقع مبنای مسئولیت صنعتگر تقصیر بوده و این تقصیر نیز مفروض است. اگر برای دادگاه احراز شده باشد که خواننده‌ی دعوی مقصر است، دادگاه نتیجه می‌گیرد که وی قادر نبوده ثابت کند که نمی‌توانسته است از وقوع فعل زیان‌بار ممانعت به‌عمل آورد. مطالعه در حقوق فرانسه نشان می‌دهد که گویا رویه‌ی قضایی بی‌میل نیست تا در مورد معافیت صنعتگر تا حدودی سخت‌گیری کند. چنان‌که در یک مورد شعبه‌ی کیفری دیوان در تاریخ ۶ ژانویه ۱۹۵۳ از معاف کردن صنعتگر به این دلیل طفره رفته است که وی می‌بایست از حضور شاگرد در درس اطمینان حاصل می‌کرد. در ۱۸ فوریه ۱۹۵۹ شعبه‌ی کیفری چنین نظر داده است که استادکاری که اجازه می‌دهد تا شاگردش از وسیله‌ای احتمالاً خطرناک استفاده کند، نمی‌تواند از مسئولیت معاف باشد. به همین دلیل استادکاری که شاگردش مرتکب دزدی شده است، نمی‌تواند به‌آسانی از زیر بار مسئولیت طفره رود. باوجوداین، سخت‌گیری در شیوه‌های معافیت از مسئولیت به این معنا نیست که مسئولیت استادکار مطلق بوده، هیچ راه‌گشایی برای استادکار وجود ندارد؛ چنان‌که در عمل، مواردی در حقوق فرانسه وجود دارد که در آن به معافیت صنعتگر رأی داده شده است (Bertolaso, 2009, p.10).

وابسته به تعیین ماهیت مسئولیت کارفرما ناشی از عمل کارآموز است. اگر ماهیت این مسئولیت را مانند مسئولیت مراقب ناشی از عمل شخص تحت مراقبت بدانیم، چنین مسئولیتی مشمول ماده ۷ ق.م.م.شده، اثبات تقصیر کارفرما به عنوان مراقب برعهده زیان دیده است. اما اگر ماهیت مسئولیت کارفرما ناشی از عمل کارآموز را مانند مسئولیت متبوع ناشی از عمل تابع بدانیم، مسئولیت یادشده مشمول ماده ۱۲ ق.م.م.شده، اثبات تقصیر کارفرما لازم نیست. با توجه به مطالب پیشین که ماهیت چنین مسئولیتی، نوعی مسئولیت مدنی متبوع ناشی از عمل تابع دانسته شده است، به نظر می‌رسد در این موارد اثبات تقصیر کارفرما لازم نباشد.

### ۳. تحولات مبنا در حقوق فرانسه

نویسندگان فرانسوی اخیراً معتقدند که در مبنای مسئولیت صنعتگر تحولاتی رخ داده است. به نظر برخی امروزه فرض تقصیر به نفع نظریه خطر حذف شده است (Carbillac, 2008, p.221). همچنین به عقیده برخی حقوق دانان، مبنای مسئولیت آموزش دهندگان به تعیین مبنای مسئولیت والدین وابسته است که می‌توان گفت در حقوق فرانسه از زمان رأی «برتران» (Bertrand) مبنای مسئولیت والدین نوعی مسئولیت محض می‌باشد (Terré, Simler, ) می‌توان از آن معاف شد. در رأی «فولانوار» (Fullenwart) در تاریخ ۹ می ۱۹۸۴ پذیرفته شد که برای فرض مسئولیت مدنی والدین کافی است که فعل کودک سبب مستقیم خسارت بوده باشد. چنان که فعل کودک منشأ خسارت زیان دیده باشد، فقط احراز رابطه سببیت بین فعل کودک و خسارت لازم است. در نتیجه دیوان مسئولیت مدنی محض را جانشین فرض تقصیر ساخته است و به این ترتیب، والدین برای فرار از مسئولیت باید حادثه خارجی مانند فورس ماژور را اثبات کنند. همچنان که در رأی ۱۹ فوریه ۱۹۹۷ دیوان پذیرفت که والدین برای رهایی از مسئولیت باید فورس ماژور یا تقصیر زیان دیده را به اثبات برسانند. به عبارت دیگر، از این تاریخ به بعد والدین برای رهایی از مسئولیت نمی‌توانند فقدان تقصیر خود را اثبات کنند و فقط اثبات فورس ماژور یا تقصیر زیان دیده که در حد فورس ماژور باشد، آن‌ها را از مسئولیت محض رهایی می‌بخشد (Mazeaud, 1978, p.505 et; Bertolaso, 2009, p.10). اکنون با در نظر گرفتن نزدیکی مسئولیت والدین و صنعتگران و با توجه به درج آن‌ها در بند ۷ ماده ۱۲۴۲ ق.م.ف، بعید نیست که گفته شود تحول در مبنای مسئولیت والدین در خصوص مبنای مسئولیت صنعتگران نیز قابل اعمال است (Bertolaso, 2009, p.7). به عبارت دیگر، به نظر حقوق دانان فرانسوی تحولات ناشی از رأی ۱۹ فوریه ۱۹۹۷ که در مورد مسئولیت والدین مطرح شد، در مسئولیت مدنی استادکار ناشی از فعل



شاگرد نیز اثر گذاشته است. به این ترتیب، به نظر می‌رسد از زمان ۱۹ فوریه ۱۹۹۷ در خصوص استادکار نیز بتوان چنین گفت که استادکاری که شاگردی را به کار می‌گیرد، مسئول اعمال شاگرد خویش است؛ مگر اینکه فورس ماژور یا تقصیر زیان‌دیده را به اثبات برساند. بنابراین در مورد صنعتگران نیز مبنای مسئولیت از فرض تقصیر به مسئولیت محض تغییر یافته است (Le Tourneau, Cadiet, 1998, p.844 et Bertolaso, 2009, p.11).

### نتیجه

در عمل خساراتی که ممکن است از بی‌تجربگی کارآموزان به اشخاص ثالث وارد شود، کم نیست. نگاهی اجمالی به وقایعی که در کارگاه‌ها اتفاق می‌افتد، نشان می‌دهد که نبود مهارت‌های لازم و نداشتن تجربه کافی نه تنها تلخ‌کامی‌هایی را برای کارآموزان و خانواده‌های آنان در محیط کارگاه به بار آورده، بلکه این امر خسارات جبران‌ناپذیری را به اشخاص ثالث وارد نموده است. نکته دیگر اینکه در حقوق ایران به مسئولیت مدنی کارفرما ناشی از عمل کارآموز اشاره‌ای نشده است. ماده ۱۲ ق.م.م به مسئولیت کارفرما ناشی از عمل کارگر پرداخته و ماده ۷ ق.م.م نیز به مسئولیت سرپرست ناشی از عمل صغیر و مجنون اشاره کرده است؛ در حالی که شاگرد یا کارآموز نه تنها از کارگر متمایز است، بلکه از صغیر نیز قابل تفکیک است. از سویی، شرایط مسئولیت هریک نیز متمایز از دیگری است. این امر اقتضا دارد تا در آینده قانون‌گذار ایران به این مهم توجه نموده، مقرراتی را در باب مسئولیت مدنی استادکار ناشی از فعل زیان‌بار کارآموز تنظیم نماید. تا آن زمان رویه قضایی می‌تواند از خمودی خارج شده، با تفسیر موسعی از ماده ۷ ق.م.م یا ماده ۱۲ ق.م.م به جبران خسارات زیان‌دیدگان همت گمارد. به این ترتیب، پیشنهاد ما این است که قانون‌گذار برای وحدت بخشی به مسئولیت کارفرما ناشی از عمل کارگر و مسئولیت کارفرما به دلیل عمل کارآموز و شاگرد می‌تواند با اصلاح ماده ۱۲ و اضافه کردن کارآموز به کارگر، مسئولیت کارفرما ناشی از عمل کارگر و کارآموز را به صورت واحد در قانون مسئولیت مدنی مطرح نماید؛ همچنان که می‌تواند مقررۀ جداگانه‌ای به قانون مسئولیت مدنی اضافه کند که «کارفرمایان و استادکاران مسئول خسارات ناشی از شاگردان و کارآموزانی هستند که در حین و یا به سبب انجام وظیفه به دیگران وارد می‌آورند مگر اینکه ثابت شود عمل شاگرد یا کارآموز برای آنها حالت فورس ماژور داشته است».

### منابع و مأخذ

#### الف) فارسی

## کتاب‌ها

۱. ایروانی، محمد کاظم (۱۳۵۳)، حقوق کار در ایران، چ ۵، چاپ افست گلشن.
۲. بادینی، حسن (۱۳۸۴)، فلسفه مسئولیت مدنی، چ ۱، شرکت سهامی انتشار.
۳. صفایی، سیدحسین، رحیمی، حبیب‌الله (۱۳۸۹)، مسئولیت مدنی (الزامات خارج از قرارداد) چ ۱، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها.
۴. خدابخشی، عبدالله (۱۳۸۹)، جبران خسارت کارگران در نظام مسئولیت مدنی، چ ۱، شرکت سهامی انتشار.
۵. عراقی، عزت‌الله (۱۳۸۷)، حقوق کار، چ ۸، انتشارات سمت.
۶. غمامی، مجید (۱۳۷۶)، مسئولیت مدنی دولت نسبت به اعمال کارکنان خود، چ ۱، نشر دادگستر.
۷. قاسم‌زاده، سیدمرتضی (۱۳۷۸)، مبانی مسئولیت مدنی، چ ۱ نشر دادگستر.
۸. قاسم‌زاده، سیدمرتضی (۱۳۸۸)، الزام‌ها و مسئولیت مدنی بدون قرارداد، چ ۷، نشر میزان.
۹. کاتوزیان ناصر (۱۳۸۶)، حقوق مدنی، الزام‌های خارج از قرارداد، ج ۱، چ ۸، انتشارات دانشگاه تهران.
۱۰. لوراسا، میشل (۱۳۷۵)، مسئولیت مدنی، ترجمه دکتر محمد اشتری، چ ۱، نشر حقوقدان.
۱۱. موحدیان، غلامرضا (۱۳۸۱)، حقوق کار، چ ۱، انتشارات فکرسازان.
۱۲. مهر، فرهنگ (۱۳۵۰)، حقوق کار، چ ۴، انتشارات مؤسسه عالی حسابداری.

## مقاله

۱۳. جعفری تبار، حسن (۱۳۹۴)، «کاتوزیان و حقوق زیان، تحلیل نظریه مسئولیت مدنی و نگاه کاتوزیان به آن» مندرج در کتاب بر منهج عدل، به سعی دکتر حسن جعفری تبار، چ ۲، انتشارات دانشگاه تهران، ص ۵۹۱-۵۹۶.

## ب) عربی

۱۴. سنهوری، عبدالرزاق احمد (۱۹۹۸)، الوسیط فی شرح القانون المدنی الجدید، ج ۱، مجلد ۲، چ ۳، منشورات الحلبيه الحقوقیه.
۱۵. عبدالله، هدی (۲۰۰۸)، الاعمال غیر المباحه، ج ۳، چ ۱، منشورات الحلبيه الحقوقیه.
۱۶. عوجی، مصطفی (۲۰۰۹)، القانون المدنی. المسئولیه المدنیه، ج ۲، چ ۴، منشورات الحلبيه الحقوقیه.

## ج) فرانسوی

### کتاب‌ها

17. Bacache-Gibeili ,Mireille (2007) Droit civil.Les obligations.La responsabilité civile extracontractuelle, T5 , 1é.éd, Economica.
18. Benabant ,Alain(2007) Droit civil .Les obligations, 11é.éd,Librairie général de droit et de jurisprudence, Montchrestien.
19. Buffelan- Lanore ,Yvaine,Larribau-Terneyre ,Virginie(2008) Droit civil.Les obligations, 11é.éd,Siry.
20. Bourassin ,Manuella(2013) Droit des obligations. La responsabilité civile extracontractuelle, 1é. Ed,Editions Archétype.
21. Carbillac,Remy(2008) Droit des obligations, 8é.éd,Dalloz
22. Carbonnier, Jean(1998) Droit civil. Les obligations, T4. 21é. éd, presses universitaires de France.
23. Colin ,Ambroise, Capitant ,H(1935)Cours élémentaire de Droit civil français, T2, 8é. Ed, paris, Librairie Dalloz.
24. Fabre-Magnan,Muriel(2007) Droit des obligations.T2.Responsabilité civile et quasi-contrats, 1é.éd, Presses universitaires de France.
25. Flour ,Jaques, Aubert ,Jean-Luc, Savaux .Eric(2001) Droit Civil. Les Obligations, T2, Le fait juridique, 9 é.éd,sirey.
26. Jourdain,Patrice (2007) Les principe de la responsabilité civile,7é.ed, Dalloz.
27. Le Tourneau,Philippe, Cadiet,Loic(1998) Droit de la responsabilité, 1é.éd, Dalloz.
28. Malaurie,Philippe, Aynes ,Laurent, Stoffel-Munck ,Philippe(2007) Droit civil. Les obligations, 3 é.éd, Editions juridiques associées, Défrenois.
29. Martini ,philippe, Losfeld, Karine (2000) Droit des obligations,1é.éd,Librairie vuibert.
30. Mazeaud ,Henri, Léon, Jean(1978) Leçons de droit civil. T2, volume premier. Obligations, 6é.éd, par François chabas, Paris, Montchrestien.
31. Renault- Brahinsky ,Corinne (2007) Droit des obligations,2é.éd, Gualino éditeue.
32. Starck ,Boris(1972)Droit civil. Obligations, 1é.éd, Librairies techniques.
33. Terré ,François, Simler,Philippe, Lequette,Yves(2005) Droit Civil. Les Obligations,9 é.éd ,Dalloz.
34. Viney ,Geneviève, Jourdain ,Patrice(1998) Traité de Droit civil. Les conditions de la responsabilité civile, 2é. Ed, Librairie générale de Droit et de Jurisprudence.
35. Weill ,Alex,Terré ,François(1975) Droit civil. Les obligations, 2é.éd, Dalloz.

### مقالات

36. Bertolaso,Sabine (2009) "DROIT À RÉPARATION. Responsabilité du fait d'autrui. Domaine: responsabilité des artisans", JurisClasseur Responsabilité civile et Assurances,Fasc.142. 120-145
37. Dorsner-Dolivet ,Annick (1997) "Du nouveau dans la responsabilité des parents du fait de leurs enfants", Revue de droit sanitaire et social .170-202.